

بر آورد آثار اصلاح قیمت نان و حامل‌های انرژی روی سبد هزینه خانوار

خلیل حیدری*

زورار پرمه**

چکیده

نان مهم‌ترین منبع تأمین‌کننده کالری دریافتی خانوارهای شهری و روستایی کشور است. برای نان مصرفی خانوارهای ایرانی سالانه یارانه زیادی پرداخت می‌شود. این امر باعث شده سهم هزینه‌ای نان در سبد خوراکی خانوارها بسیار پایین باشد. از طرف دیگر ادامه این روند با توجه به محدودیت‌های بودجه دولت و عدم کارایی‌های نظام تولید، توزیع و مصرف نان مسئله‌ساز شده است. دولت حذف این یارانه‌ها را در دستور کار دارد. آنچه اهمیت دارد، پیامدهای حذف یارانه‌ها بر سبد هزینه خانوار است که موضوع این مقاله است. الگوی برآورد این آثار در این مطالعه ماتریس حسابداری اجتماعی (SAM) است. مهم‌ترین نتایج دلالت بر آن دارد که با حذف یارانه نان و حامل‌های انرژی، مخارج خانوارهای شهری حداقل ۳۳ درصد و مخارج خانوارهای روستایی حداقل ۴۰ درصد افزایش خواهد داشت.

واژگان کلیدی

نان، حامل‌های انرژی، هزینه‌خانوار، ماتریس حسابداری اجتماعی، یارانه

Email: kh.heidary@itsr.ir

Email: z.permeh@itsr.ir

تاریخ پذیرش: ۸۹/۰۷/۱۷

* عضو هیئت علمی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

** عضو هیئت علمی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

تاریخ ارسال: ۸۹/۰۳/۳۱

فصلنامه راهبرد / سال نوزدهم / شماره ۵۷ / زمستان ۱۳۸۹ / صص ۱۹۵-۱۸۱

سیاست‌های اصلاح قیمت‌های یارانه‌ای از دیرباز یکی از مهم‌ترین برنامه‌های پیشنهادی از طرف صندوق بین‌المللی پول به بسیاری از کشورها بوده است. این اصلاحات به منظور نزدیک‌تر کردن قیمت‌های یارانه‌ای کالاها به سمت قیمت‌های واقعی و بازار آنها صورت گرفته است. اصلاح قیمت‌های یارانه‌ای کالاها اگرچه ممکن است منجر به بهبود تخصیص کارا و رشد اقتصادی گردند، اما در کوتاه‌مدت می‌تواند اثرات اجتماعی و سیاسی نامطلوب داشته باشد. این‌گونه اثرات نامطلوب می‌توانند از طریق تقویت چترهای حمایتی^۱ و یا سیاست‌های تدریجی حذف یارانه‌ها، کنترل و تقلیل داده شوند. از این رو، امروزه انتخاب یک نظام حمایتی مطلوب به عنوان دغدغه اصلی به ویژه برای کشورهای در حال توسعه است. مهم‌ترین وجوه طراحی یک نظام حمایتی مطلوب «امکان‌پذیری اجرایی» و «صحت تکنیکی» آن است. اگر چه در مورد عناصر این دو وجه میان صاحب‌نظران اختلاف نظر است، اما در زمینه لزوم برقراری هر کدام از آنها اختلاف نظر وجود ندارد. به این جهت دولت‌ها که همواره با منابع مالی محدودی

روبه‌رو هستند، می‌کوشند تا سیاست‌های حمایتی خود را بر گروه‌های هدف و نه تمامی اقشار جامعه متمرکز کنند تا با یک منبع درآمد ثابت و مشخص، اثرات این سیاست‌ها را حداکثر سازند و یا در یک سطح مشخص و تعریف‌شده از حمایت، هزینه‌های آن را به حداقل برسانند (خسروی نژاد، ۱۳۸۷).

در سال ۱۳۸۶ هر نفر دهک اول شهری ۶۲ درصد و هر نفر دهک اول روستایی ۵۸ درصد از نیاز کالری خود را با مصرف نان و آرد گندم تأمین کرده است. در مقابل سهم هزینه صرف‌شده روی نان از کل مخارج خوراکی خانوار، برای هر نفر دهک اول شهری ۹/۸ درصد در مقایسه با سهم مخارج دهک اول روستایی که ۱۲ درصد بوده است (حیدری، ۱۳۸۸). این در حالی است که یارانه پرداختی برای آرد گندم و نان در سال ۱۳۸۶ برابر ۳۹۰۹۶/۷ میلیارد ریال بوده است (سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان). به این ترتیب مشخص است که پرداخت رقم بالای یارانه آرد گندم و نان با توجه به سهم بالای تأمین کالری در سبد مصرفی خانوار باعث کوچک شدن سهم هزینه این کالا از مخارج خوراکی خانوارهای شهری و روستایی است.

که فقط یارانه نان حذف می‌شود، سناریوی دوم برای حالتی که تنها یارانه حامل‌های انرژی حذف شود و سناریوی سوم برای حالتی که هم یارانه نان و هم یارانه حامل‌های انرژی هم‌زمان حذف شوند.

مهم‌ترین نتایج این مقاله نشان می‌دهد که تأثیر نهایی حذف تنها یارانه نان بر مخارج خانوارهای شهری حداقل ۱۷ درصد و تأثیر آن بر مخارج خانوارهای روستایی حداقل ۲۱ درصد افزایش خواهد بود. اگر هم‌زمان یارانه نان و حامل‌های انرژی حذف شود، مخارج خانوارهای شهری حداقل ۳۳ درصد و مخارج خانوارهای روستایی حداقل ۴۰ درصد افزایش خواهد داشت.

۱- شرح متدولوژی و مبانی نظری ماتریس حسابداری اجتماعی

در این مقاله برآورد آثار حذف یارانه نان بر سبد هزینه خانوار با استفاده از مدل ماتریس اجتماعی SAM صورت گرفته است. ماتریس حسابداری اجتماعی (SAM) ماتریس مربعی است، که مجموعه‌ای از حساب‌ها را نشان می‌دهد. این ماتریس جریان‌های درآمد و هزینه را بین فعالیت‌های تولید، عوامل تولید و نهاده‌ها توصیف می‌کند. این ماتریس جریان‌های پولی را از طریق

با توجه به آنچه که گفته شد، پرسش اساسی این است که اصلاح یارانه نان و حامل‌های انرژی در ایران چه تأثیری بر سبد هزینه خانوارهای شهری و روستایی به خصوص اقشار کم‌درآمد خواهد داشت؟

در خصوص هدفمندکردن یارانه‌ها و به ویژه نان، مطالعات فراوانی در ایران و سطح جهان صورت گرفته است. برای مثال می‌توان به مطالعات (خداداد کاشی، ۱۳۸۱ و ۱۳۸۸)؛ (خسروی نژاد، ۱۳۸۷)؛ (نجفی، ۱۳۸۷)؛ (وزارت رفاه، ۱۳۸۷)؛ (پرمه، ۱۳۸۲ و ۱۳۸۸) و در جهان به مطالعات (بانک جهانی، ۱۹۹۹) برای کشورهای مصر، مراکش، یمن، تانزانیا، هندوستان، سریلانکا، پاکستان، بنگلادش و سایر کشورها اشاره داشت. اما این مطالعات به صورت ویژه به موضوع آثار حذف یارانه‌ها بر سبد هزینه خانوار در ایران نپرداخته‌اند. از این رو، این مقاله به صورت ویژه موضوع

پیش گفته را مورد بررسی قرار می‌دهد. در مقاله حاضر به منظور پاسخ به سؤال فوق و تعیین اثرات حذف یارانه‌های نان و حامل‌های انرژی بر مخارج خانوار روی نان و در کل سبد هزینه خانوار از ماتریس حسابداری اجتماعی (SAM) استفاده می‌شود. برای این منظور سه سناریو در نظر گرفته شده است. سناریوی اول برای حالتی

ستون‌ها (هزینه‌ها) و ردیف‌ها (درآمدها) نشان می‌دهد، به طوری که باید هزینه‌ها (ستون‌ها) و دریافتی‌ها (ردیف‌ها) برابر باشند. ماتریس حسابداری اجتماعی، مانند جدول داده-ستانده، ساختار حسابداری جامعی از بازارهای منطقه‌ای ارائه می‌کند. ماتریس مذکور بر خانوارها و چگونگی ایجاد و توزیع درآمد آنها متمرکز است، در حالی که جدول داده-ستانده بر صنایع و ارتباطات منطقه‌ای تولید متمرکز است. این امر با وارد نمودن درآمد ایجادشده خانوارها بسط و توسعه می‌یابد. به علاوه این پایه آماری از آن جهت برای مدل‌های تعادل عمومی مناسب است که بر فرایند تولید، عرضه عوامل تولید، تقاضای کالاها و مبادلات دولت متمرکز است (بانویی، ۱۳۸۱).

پیش از ورود به مبحث الگوی تحلیلی مبتنی بر SAM لازم است که ساختار و اجزای آن دقیقاً تشریح شود. جدول شماره (۱) ماتریس حسابداری اجتماعی را در شکل خلاصه شده نشان می‌دهد. T_{11} : مبادلات بین بخش‌های تولیدی، T_{21} : ماتریس انتقال ارزش افزوده از فعالیت‌های تولیدی به عوامل تولید یعنی کار، سرمایه و زمین، T_{32} : ماتریس یا عامل انتقال درآمد عوامل تولید به خانوارها و T_{13} : الگوی مصرف خانوارها را

بیان می‌کند. همچنین در جدول شماره (۱) یک تقسیم‌بندی کلی برای حساب‌های موجود در SAM وجود دارد. در این تقسیم‌بندی حساب‌ها به دو گروه درون‌زا^۲ و برون‌زا^۳ تفکیک شده‌اند. اهمیت و استفاده از این تقسیم‌بندی در تبدیل SAM به یک الگوی تحلیلی و نیز محاسبه ضرایب فزاینده^۴ است. حساب‌های درون‌زای SAM حساب‌هایی هستند که درآمدها تحت الزامات مدل تعیین می‌شود. در حالی که درآمد حساب‌های برون‌زا خارج از ارتباطات در نظر گرفته‌شده، در مدل تعیین خواهد شد. حالت استاندارد تقسیم‌بندی حساب‌های درون‌زا و برون‌زا بدین شکل است که حساب‌های تولید، عوامل تولید و خانوارها درون‌زا و بقیه حساب‌ها شامل حساب دولت، سرمایه و بقیه جهان خارج جزو حساب‌های برون‌زا به حساب می‌آیند. هر کدام از حساب‌های درون‌زا از دو بخش تشکیل شده است:

(۱) بخشی که هزینه‌های حساب‌های درون‌زا را در بر می‌گیرد (T_{ij}).

2. Endogenous
3. Exogenous
4. Multiplier coefficient

۲) بخشی که هزینه‌های حساب‌های برون‌زا بر روی حساب‌های درون‌زا را نمایش می‌دهد (Xi).

جدول شماره (۱) - نمای خلاصه شده ماتریس حسابداری اجتماعی

هزینه‌ها					عنوان‌ها	درون‌زا	برون‌زا
جمع	برون‌زا	درون‌زا		فعالیت‌های تولیدی			
	مجموع حساب‌های دیگر	خانوارها	عوامل تولید				
۵	۴	۳	۲	۱			
۱Y	۱X	۱۳T	0	۱۱T	۱	فعالیت‌های تولیدی	درون‌زا
۲Y	۲X	0	0	۲۱T	۲	عوامل تولید	
۳Y	۳X	0	۳۲T	0	۳	خانوارها	
Y_x	T	l'_3	l'_2	l'_1	۴	مجموع حساب‌های دیگر	برون‌زا
	Y_x	Y'_3	Y'_2	Y'_1	۵	جمع	

صورت مربع بوده دارای 169 سطر و ستون (Defourney and Thorbecke, 1984, pp. 111-136)

می‌باشد. از آنجایی که در ماتریس حسابداری اجتماعی سال 1380 از جداول عرضه - مصرف استفاده شده است، لذا حساب‌های این ماتریس از حساب کالاها و خدمات آغاز می‌شود. به طور کلی حساب‌های موجود در این ماتریس و واحدهای مورد استفاده در آنها به شرح زیر می‌باشند:

۱. حساب کالاها و خدمات که ۱۴۷

نوع کالا و خدمت را در بر می‌گیرد.

۲- ماتریس حسابداری اجتماعی اقتصاد ایران

ماتریس حسابداری اجتماعی اقتصاد ایران با توجه به اینکه بر اساس داده‌های جدول داده-ستانده تهیه می‌شود و آخرین جدول داده-ستانده تولیدشده در ایران مربوط به سال ۱۳۸۰ است، تصویری جامع از فعالیت‌های اقتصادی و مبادلات جاری صورت گرفته توسط نهادهای مختلف در این

۲. حساب ایجاد درآمد که واحدهای آماری مورد استفاده در این حساب اجزای مختلف ارزش افزوده به تفکیک جبران خدمات کارکنان، درآمد مختلط و مازاد عملیاتی می‌باشد.
۳. مالیات‌ها و یارانه‌ها سومین حساب موجود در ماتریس حسابداری اجتماعی هستند. این حساب شامل زیرحساب‌های مالیات بر تولید، خالص سایر مالیات بر تولید، مالیات بر واردات، یارانه بر تولید، یارانه بر واردات است.
۴. بخش‌های نهادی در اقتصاد ایران که از آنها در ماتریس حسابداری اجتماعی سال ۱۳۸۰ نیز استفاده گردیده، شامل خانوارها، دولت و شرکت‌ها هستند. در مورد خانوارها ابتدا آنها به دو گروه شهری و روستایی تقسیم شده‌اند و سپس هر یک به پنج طبقه تفکیک شده‌اند.
۵. سایر حساب‌ها شامل حساب پس‌انداز و حساب بقیه دنیای خارج می‌باشد.

۳- پایه‌های آماری و نحوه برآورد بلوک‌های ماتریس حسابداری اجتماعی اقتصاد ایران

ماتریس حسابداری اجتماعی اقتصاد ایران در سال ۱۳۸۰ به‌طور مستقیم با استفاده از جداول عرضه - مصرف اقتصاد ایران در این سال که به صورت آماری توسط مرکز آمار ایران تهیه شده و همچنین بهره‌گیری از آمار و اطلاعات حساب‌های ملی مربوط به این سال، به صورت یک ماتریس آماری تهیه و تدوین شده است. لازم به ذکر است که جدول داده ستانده مربع مرکز آمار ایران یک ماتریس ۹۱*۹۱ است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵)، که در این جدول تفکیک کالاهای اساسی و حامل‌های انرژی وجود ندارد. بنابراین لازم بود برای رسیدن به هدف مطالعه این بخش‌ها نیز به تفکیک در جدول اضافه شود. در واقع بر اساس جداول عرضه اقتصاد ایران به قیمت تولیدکننده (۱۴۷ کالا در ۹۱ رشته فعالیت) و جداول مصرف اقتصاد ایران به قیمت تولیدکننده (۱۴۷ کالا در ۹۱ رشته فعالیت) اقدام به تفکیک کامل رشته فعالیت‌ها به کالا بر اساس کدهای ISIC چهار رقمی شد. بنابراین در این مطالعه، ابتدا جدول داده-

ستانده تدوین شده بر حسب تمام کالاهای اساسی و تمام حامل‌های انرژی به‌روز شد، تا از این طریق بتوان آثار سیاست‌های اقتصادی و به ویژه هدفمند نمودن یارانه‌ها در بخش آرد و حامل‌های انرژی را به تفکیک بر اقتصاد ایران مورد بررسی قرار داد (پرمه، ۱۳۸۸).

جدول عرضه، اطلاعاتی در زمینه منابع کالاها و خدمات ارائه می‌کند و شامل ارزش ستانده فعالیت‌های تولیدی، واردات کالاها و خدمات، حاشیه‌های حمل و نقل و بازرگانی و خالص مالیات‌های بر محصول می‌باشد. جدول مصرف نیز اطلاعاتی در زمینه مصارف کالاها و خدمات و نیز ساختار هزینه‌ای فعالیت‌ها ارائه می‌کند. این جدول دارای سه بخش مصارف واسطه، مصارف نهایی و مصارف ارزش افزوده است.

۴- معرفی پایه‌های آماری مورد استفاده در ماتریس حسابداری اجتماعی اقتصاد ایران

پایه‌های آماری مورد استفاده در ماتریس حسابداری اجتماعی و سازماندهی آمار و اطلاعات حساب‌های اصلی و زیرحساب‌های هر یک از آنها می‌توانند نقش اساسی را در عملیاتی کردن تحلیل‌های سیاستی مرتبط به آن ایفا کنند. تحقق این امر در صورتی امکان‌پذیر است که پایه‌های

آماری ماتریس حسابداری اجتماعی سازگاری لازم را با روش‌شناسی آن داشته باشد. در فرایند محاسبه ماتریس حسابداری اجتماعی اقتصاد ایران از سه نوع پایه‌های آماری استفاده شده است که عبارت‌اند از: جدول داده-ستانده آماری سال ۱۳۸۰ تولیدشده در مرکز آمار ایران، نتایج طرح هزینه و درآمد خانوارهای مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۰ و بعضی از آمارهای مربوط به دریافت‌ها و پرداخت‌های عوامل تولید و نهاده‌ها از دنیای خارج. در ادامه توضیح اجمالی هر یک از اجزای ماتریس حسابداری اجتماعی ارائه می‌گردد.

۱. تعامل حساب تولید با تولید: این ناحیه در جدول داده ستانده به صورت ۱۴۷×۱۴۷ محاسبه شده است که عیناً به ماتریس حسابداری اجتماعی منتقل گردید.
۲. تعامل حساب تولید با نهاده‌ها: در جدول داده ستانده اجزای تشکیل‌دهنده نهاده‌های مصرف، خانوارها به‌صورت شهری و روستایی، دولت و شرکت‌ها می‌باشند که در ماتریس حسابداری اجتماعی مصرف خانوارها به‌صورت پنجگ می باشد. برای تفکیک

هزینه خانوارها به ده گروه از روش جمع کنترل در تفکیک دهک‌های هزینه‌ای خانوارهای شهری و روستایی استفاده شده است. در این مورد، ابتدا خانوارهای شهری و روستایی بر حسب دهک‌های هزینه بر مبنای اطلاعات بودجه خانوارهای شهری و روستایی سال ۱۳۸۰ مرکز آمار ایران تفکیک شدند. با توجه اینکه خانوارها در دهک‌های درآمدی ثبات کمتری در مقایسه با دهک‌های هزینه‌ای برخوردارند و نیز با توجه به اینکه ماهیت آماری یک سال می‌باشد، دهک‌های هزینه‌ای خانوارها بر مبنای ساختار هزینه خانوارهای شهری و روستایی در ماتریس حسابداری اجتماعی سال ۱۳۸۰ به دهک‌های هزینه‌ای خانوارهای شهری و روستایی تقسیم‌بندی شده‌اند.

برای تعیین میزان مصرف کالاها توسط خانوارهای هر دهک، ابتدا کد کالاهای مصرفی گزارش شده در نشریه هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی با کد گروه کالایی در ماتریس حسابداری اجتماعی

تطبیق داده شد. پس از آن کالاهای مصرف خانوارهای شهری و روستایی در ۱۴۷ گروه هزینه کالایی خانوارهای شهری و روستایی در ماتریس حسابداری اجتماعی قرار گرفتند. سپس سهم هر دهک در میزان مصرف کل هر دهک از مصرف کل کالای مورد نظر به ابعاد 10×147 برای خانوارهای شهری و روستایی تعیین گردیده است.

۱. تعامل حساب تولید با انباشت: این ناحیه در حقیقت همان سرمایه‌گذاری است که به صورت یک بردار ستونی است. این ناحیه عیناً از جدول داده ستانده منتقل شده است.

۲. تعامل حساب تولید با دنیای خارج: این ناحیه در حقیقت همان صادرات است که به صورت یک بردار ستونی است. این ناحیه عیناً از جدول داده ستانده منتقل شده است.

۵- بررسی اثر حذف یارانه نان و حامل‌های انرژی بر سبد هزینه خانوارهای شهری و روستایی

در قسمت قبل الگوی مورد استفاده برای بررسی اثر حذف یارانه نان بر سبد هزینه خانوارها به صورت کامل تشریح

جدول شماره (۲) - قیمت آرد گندم و حامل‌های انرژی در اقتصاد ایران و سطح جهان

شرح	آرد گندم (مترمکعب ریال)	گاز طبیعی (کیلووات ریال)	برق (کیلووات ریال)	بنزین (لیتر ریال)	نفت سفید (لیتر ریال)	گازوئیل (لیتر ریال)	نفت کوره و سیاه (لیتر ریال)
قیمت یارانه‌ای	۷۵	۱۱۰	۱۶۵/۷۴	۱۰۰۰	۱۶۵	۱۶۵	۹۴۵
قیمت جهانی	۴۰۰۰	۱۳۰۰	۱۰۰۰	۴۰۰۰	۲۵۰۰	۳۵۰۰	۲۶۴۰
شوک سالانه قیمت در طی سه سال	۲۲۶/۴	۱۰/۷	۸۲/۱	۵۲/۳	۱۶۷/۳	۱۶۷/۳	۱۹۲/۶

ماخذ: وزارت بازرگانی و وزارت نفت

در جدول شماره (۳) اثر حذف یارانه نان (آرد گندم) و حامل‌های انرژی بر سبد هزینه خانوارهای شهری و روستایی در قالب سه سناریوی پیش‌گفته درج شده‌است. این نتایج دلالت بر آن دارد که حذف یارانه آرد گندم به تنهایی هزینه خانوارهای کم‌درآمد شهری را حدود ۱۸ درصد و هزینه خانوارهای پردرآمد شهری را حدود ۱۷ درصد افزایش خواهد داد. با توجه به این نتایج می‌توان گفت تأثیرپذیری خانوارهای کم‌درآمد و پردرآمد شهری از حذف یارانه نان اختلاف زیادی ندارد. علت این امر آن است که پس از وارد آمدن شوک افزایش قیمت آرد گندم در مرحله اول، قیمت نان افزایش می‌یابد، این تأثیر همان‌طور که در جدول شماره (۳) ملاحظه می‌گردد، برای ۲۰ درصد کم‌درآمدترین خانوارهای شهری ۴/۶ درصد و برای ۲۰ درصد پردرآمدترین خانوارهای شهری تنها ۲/۵ درصد بوده‌است. اما در

گردید. از آنجا که دولت قصد دارد هدفمند کردن یارانه کالاهای اساسی و حامل‌های انرژی را با هم انجام دهد، در ادامه نتایج حاصل از برآورد این اثرات در قالب سه سناریو تحلیل می‌شود. سناریوی اول مربوط به حالتی است که تنها یارانه نان (آرد گندم) حذف شود. سناریوی دوم مربوط به حالتی است که تنها یارانه حامل‌های انرژی حذف شود و حالت سوم مربوط به حالتی است که از ترکیب دو سناریوی قبلی یعنی حذف همزمان یارانه نان (آرد گندم) و یارانه حامل‌های انرژی صورت می‌گیرد. قبل از تحلیل نتایج در جدول شماره (۲) قیمت آرد گندم یارانه‌ای و حامل‌های انرژی به تفکیک آمده، همچنین قیمت جهانی هر کدام نیز درج گردیده‌است. در سناریوهای فوق بر اساس نظرات کارشناسی کارگروه طرح تحول هدفمندسازی یارانه‌ها اثر آزادسازی قیمت‌ها تا سطح قیمت‌های جهانی در طی سه سال به صورت سالانه برآورد شده‌است. بر این اساس برای رسیدن به قیمت‌های جهانی هر کدام از اقلام یادشده در جدول شماره (۲) لازم است یک شوک به اندازه سطر چهارم جدول به ماتریس حسابداری اجتماعی اقتصاد ایران داده شود تا اثر آزادسازی قیمت‌ها روی سبد هزینه خانوار برآورد گردد.

مراحل بعد این افزایش قیمت بر سایر قیمت‌ها تأثیر می‌گذارد و برآیند این تأثیرات همان اثرات کل افزایش قیمت است.

بر اساس نتایج حاصل مخارج خانوارهای کم‌درآمد روستایی از حذف یارانه نان حدود ۲۴ درصد افزایش خواهد یافت در حالی که سبد مخارج خانوارهای پردرآمد روستایی تنها ۲۲ درصد افزایش خواهد داشت. این نتایج نشان می‌دهد که تأثیرپذیری خانوارهای روستایی بیشتر از خانوارهای شهری است، همچنین اختلاف تأثیرپذیری خانوارهای پردرآمد و کم‌درآمد شهری از حذف یارانه نان کمتر از خانوارهای روستایی است. به عبارت دیگر نتایج دلالت بر آن دارند که حذف یارانه نان سفره خانوارهای کم‌درآمد را خالی‌تر خواهد کرد. نکته حائز اهمیت دیگر تفاوت بین تأثیر آزادسازی قیمت آرد گندم بر خانوارهای شهری و روستایی است، از این جهت که اثر اولیه بر خانوارهای شهری کم، درحالی که بر خانوارهای روستایی بسیار شدید است. همچنین جهت تأثیرات بعدی افزایش قیمت آرد گندم بر خانوارهای شهری و روستایی کاملاً بر عکس است.

همان‌طور که در سناریوی دوم جدول شماره (۳) مشخص است، در صورت حذف یارانه حامل‌های انرژی سبد مخارج

خانوارهای کم‌درآمد شهری حدود ۱۶ درصد و سبد هزینه خانوارهای پردرآمد حدود ۱۹ درصد افزایش خواهد داشت. افزایش مخارج برای خانوارهای کم‌درآمد روستایی ۱۸/۵ درصد و برای خانوارهای پردرآمد روستایی حدود ۲۲ درصد است. بنابراین همانند سناریوی قبل سبد مخارج خانوارهای روستایی تأثیرپذیری بیشتری از حذف یارانه حامل‌های انرژی خواهند داشت. اما در خصوص اختلاف تأثیرپذیری گروه‌های کم‌درآمد و پردرآمد شهری و روستایی در سناریوی دوم در مقایسه با سناریوی اول نتایج نشان می‌دهد در سناریوی اول گروه‌های کم‌درآمد کمتر از گروه‌های پردرآمد تحت تأثیر بوده‌اند، در حالی که در سناریوی دوم بر عکس سبد هزینه گروه‌های پردرآمد تأثیرپذیری بیشتری از گروه‌های کم‌درآمد داشته‌اند. البته نکته قابل توجه آن است که این اختلاف زیاد نیست.

در قالب یک سناریوی ترکیبی که همزمان یارانه نان (آرد گندم) و حامل‌های انرژی حذف شده‌اند، اثر آن بر سبد هزینه خانوارهای شهری و روستایی برآورد گردیده که نتایج حاصل در جدول شماره (۳) درج شده است. این نتایج دلالت بر آن دارند که مخارج کل خانوارهای کم‌درآمد شهری با حذف یارانه نان (آرد گندم) و حامل‌های انرژی حدود ۳۳ درصد افزایش خواهد داشت،

فرجام

امروزه انتخاب یک نظام حمایتی مطلوب، دغدغه اصلی به ویژه برای کشورهای در حال توسعه است. اصلاح قیمت‌های یارانه‌ای کالاها اگرچه ممکن است منجر به بهبود تخصیص کارا و رشد اقتصادی گردند، اما در کوتاه مدت می‌تواند اثرات اجتماعی و سیاسی نامطلوب داشته باشد. این گونه اثرات نامطلوب می‌توانند از طریق تقویت چترهای حمایتی و یا سیاست‌های تدریجی حذف یارانه‌ها، کنترل و تقلیل داده شوند. برای مثال دولت حذف یارانه‌های نان و پرداخت نقدی آن را در دستور کار دارد، در حالی که نان مهم‌ترین منبع تأمین‌کننده کالری

در حالی که مخارج خانوارهای پردرآمد شهری حدود ۳۷ درصد افزایش خواهد یافت. برای خانوارهای کم‌درآمد و پردرآمد روستایی این افزایش به ترتیب حدود ۴۳ درصد و ۴۵ درصد خواهد بود. این نتایج نشان می‌دهند تأثیرپذیری خانوارهای روستایی از حذف یارانه‌ها بیشتر از خانوارهای شهری است، همچنین اختلاف تأثیرپذیری خانوارهای پردرآمد و کم‌درآمد روستایی در مجموع از حذف یارانه‌ها کمتر از خانوارهای شهری است؛ اگرچه این اختلاف قابل ملاحظه نمی‌باشد.

جدول شماره (۳) - برآورد اثر حذف یارانه نان و حامل‌های انرژی بر سبد هزینه خانوارهای شهری و روستایی

سناریو	سناریوی افزایش قیمت آرد گندم		سناریوی افزایش قیمت حامل‌های انرژی آرد گندم	افزایش قیمت گاز طبیعی	افزایش قیمت برق	افزایش قیمت نفت بنزین	افزایش قیمت نفت سفید	افزایش گازوئیل	افزایش قیمت نفت کوره	افزایش قیمت گاز مایع	سناریوی افزایش قیمت حامل‌های انرژی
	اثر اولیه	اثر کل									
خانوارهای شهری ۲۰ درصد اول	۴/۶	۱۷/۸	۳۳/۴	۰/۳	۳/۱	۱/۴	۲/۱	۲/۳	۲/۲	۴/۲	۱۵/۶
خانوارهای شهری ۲۰ درصد دوم	۵/۱	۱۷/۵	۳۳/۸	۰/۳	۳	۱/۵	۲/۲	۲/۵	۲/۴	۴/۴	۱۶/۳
خانوارهای شهری ۲۰ درصد سوم	۴/۵	۱۷/۷	۳۴/۶	۰/۳	۳/۱	۱/۶	۲/۲	۲/۵	۲/۴	۴/۷	۱۶/۸
خانوارهای شهری ۲۰ درصد چهارم	۳/۵	۱۷/۲	۳۴/۲	۰/۳	۳/۱	۱/۸	۲/۲	۲/۵	۲/۵	۴/۶	۱۷
خانوارهای شهری ۲۰ درصد پنجم	۲/۵	۱۷/۴	۳۶/۸	۰/۳	۳/۳	۲	۲/۴	۲/۷	۲/۸	۶	۱۹/۴
خانوارهای روستایی ۲۰ درصد اول	۵۱/۷	۲۴/۴	۴۲/۹	۰/۲	۳/۶	۱/۵	۳/۱	۲/۶	۲/۶	۴/۹	۱۸/۵
خانوارهای روستایی ۲۰ درصد دوم	۴۶/۹	۲۳/۲	۴۱/۶	۰/۲	۳/۵	۱/۶	۳/۱	۲/۷	۲/۶	۴/۶	۱۸/۴
خانوارهای روستایی ۲۰ درصد سوم	۴۱/۵	۲۲/۷	۴۱/۷	۰/۲	۳/۵	۱/۷	۳/۱	۲/۸	۲/۷	۵	۱۹
خانوارهای روستایی ۲۰ درصد چهارم	۳۹/۶	۲۱/۶	۴۰/۲	۰/۲	۳/۳	۱/۸	۳	۲/۸	۲/۷	۴/۸	۱۸/۶
خانوارهای روستایی ۲۰ درصد پنجم	۲۹/۱	۲۲/۴	۴۴/۵	۰/۳	۳/۶	۱/۹	۳	۳/۱	۳/۱	۷/۳	۲۲/۱

مأخذ: یافته‌های پژوهش

دریافتی خانوارهای شهری و روستایی کشور است. در شرایط فعلی برای نان مصرفی خانوارهای ایرانی سالانه یارانه زیادی پرداخت می‌شود. در سال ۱۳۸۶ هر نفر دهک اول شهری ۶۲ درصد و هر نفر دهک اول روستایی ۵۸ درصد از نیاز کالری خود را با مصرف نان و آرد گندم تأمین کرده است. در مقابل سهم هزینه صرف‌شده روی نان از کل مخارج خوراکی خانوار، برای هر نفر دهک اول شهری ۹/۸ درصد در مقایسه با سهم مخارج دهک اول روستایی که ۱۲ درصد بوده است (حیدری، ۱۳۸۸). این در حالی است که یارانه پرداختی برای آرد گندم و نان در سال ۱۳۸۶ برابر ۷/۳۹۰۹۶ میلیارد ریال بوده است (سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان). این امر باعث شده سهم هزینه‌ای نان در سبد خوراکی خانوارها بسیار پایین باشد. از طرف دیگر ادامه این روند با توجه به محدودیت‌های بودجه دولت و عدم کارایی‌های نظام تولید، توزیع و مصرف نان مسئله‌ساز شده است. در این مقاله تلاش شده است با معرفی الگوی ماتریس حسابداری اجتماعی (SAM) و کاربردی‌های آن در تحلیل مسایل اقتصادی آثار آزادسازی قیمت نان و حامل‌های انرژی بر سبد هزینه خانوارهای ایرانی برآورد شود. این امر به

سیاستگذاران کمک خواهد نمود تا با توجه این اثرات اتخاذ سیاست مناسب کنند. این ماتریس جریان‌های درآمد و هزینه را بین فعالیت‌های تولید، عوامل تولید و نهاده‌ها توصیف می‌کند. این ماتریس جریان‌های پولی را از طریق ستون‌ها (هزینه‌ها) و ردیف‌ها (درآمدها) نشان می‌دهد، به طوری که باید هزینه‌ها (ستون‌ها) و دریافتی‌ها (ردیف‌ها) برابر باشند. ماتریس حسابداری اجتماعی، مانند جدول داده-ستانده، ساختار حسابداری جامعی از بازارهای منطقه‌ای ارائه می‌کند. ماتریس مذکور بر خانوارها و چگونگی ایجاد و توزیع درآمد آنها متمرکز است، در حالی که جدول داده-ستانده بر صنایع و ارتباطات منطقه‌ای تولید متمرکز است. این امر با وارد نمودن درآمد ایجاد شده خانوارها بسط و توسعه می‌یابد. به علاوه این پایه آماری از آن جهت برای مدل‌های تعادل عمومی مناسب است که بر فرایند تولید، عرضه عوامل تولید، تقاضای کالاها و مبادلات دولت متمرکز است. بر این اساس در ادامه خلاصه نتایج حاصل از برآورد تاثیر آزادسازی قیمت نان بر سبد هزینه‌ای خانوارهای ایرانی ارائه شد. از آنجا که دولت قصد دارد هدفمند کردن یارانه کالاهای اساسی و

حامل‌های انرژی را با هم انجام دهد، در ادامه نتایج حاصل از برآورد این اثرات در قالب سه سناریو تحلیل می‌شود. سناریوی اول مربوط به حالتی است که تنها یارانه نان (آرد گندم) حذف شود. سناریوی دوم مربوط به حالتی است که تنها یارانه حامل‌های انرژی حذف شود و حالت سوم مربوط به حالتی است که از ترکیب دو سناریوی قبلی یعنی حذف همزمان یارانه نان (آرد گندم) و یارانه حامل‌های انرژی صورت می‌گیرد.

اقتصاددانان در تحلیل‌های خود همواره تأکید دارند در یک اقتصاد متعادل نرخ افزایش قیمت‌ها معمولاً تک رقمی است. اگر این آستانه به‌عنوان یک استاندارد پذیرفته شود، در آن صورت می‌توان قضاوت نمود که با تغییرات هزینه‌ای بیشتر از ۱۰ درصد سبب هزینه خانوارها به‌صورت جهشی تأثیر می‌پذیرد. بر این اساس نتایج مقاله دلالت بر آن دارد که حذف یارانه آرد گندم به تنهایی هزینه خانوارهای کم درآمد شهری را حدود ۱۸ درصد و هزینه خانوارهای پردرآمد شهری را حدود ۱۷ درصد افزایش خواهد داد. در حالی که مخارج خانوارهای کم‌درآمد روستایی از حذف یارانه نان حدود ۲۴ درصد و سبب مخارج خانوارهای پردرآمد روستایی تنها ۲۲ درصد افزایش خواهد داشت. این

نتایج نشان می‌دهد اولاً تأثیرپذیری خانوارهای روستایی بیشتر از خانوارهای شهری است، ثانیاً اختلاف تأثیرپذیری خانوارهای پردرآمد و کم‌درآمد شهری از حذف یارانه نان کمتر از خانوارهای روستایی است. به عبارت دیگر نتایج دلالت بر آن دارند که حذف یارانه نان سفره خانوارهای کم‌درآمد را خالی‌تر خواهد کرد. نکته حائز اهمیت دیگر تفاوت بین تأثیر آزادسازی قیمت آرد گندم بر خانوارهای شهری و روستایی است، از این جهت که اثر اولیه بر خانوارهای شهری کم، درحالی که بر خانوارهای روستایی بسیار شدید است. همچنین جهت تأثیرات بعدی افزایش قیمت آرد گندم بر خانوارهای شهری و روستایی کاملاً بر عکس است.

در قالب یک سناریوی ترکیبی که همزمان یارانه نان (آرد گندم) و حامل‌های انرژی حذف شده‌اند، اثر آن بر سبب هزینه خانوارهای شهری و روستایی برآورد گردیده که نتایج حاصل دلالت بر آن دارند که مخارج کل خانوارهای کم‌درآمد شهری با حذف یارانه نان (آرد گندم) و حامل‌های انرژی حدود ۳۳ درصد افزایش خواهد داشت، در حالی که مخارج خانوارهای پردرآمد شهری حدود ۳۷ درصد افزایش خواهد یافت. برای

خانوارهای کم درآمد و پردرآمد روستایی این افزایش به ترتیب حدود ۴۳ درصد و ۴۵ درصد خواهد بود. این نتایج نشان می‌دهند اولاً تأثیرپذیری خانوارهای روستایی از حذف یارانه‌ها بیشتر از خانوارهای شهری است، ثانیاً اختلاف تأثیرپذیری خانوارهای پردرآمد و کم‌درآمد روستایی در مجموع از حذف یارانه‌ها کمتر از خانوارهای شهری است، اگرچه این اختلاف قابل ملاحظه نمی‌باشد.

منابع فارسی

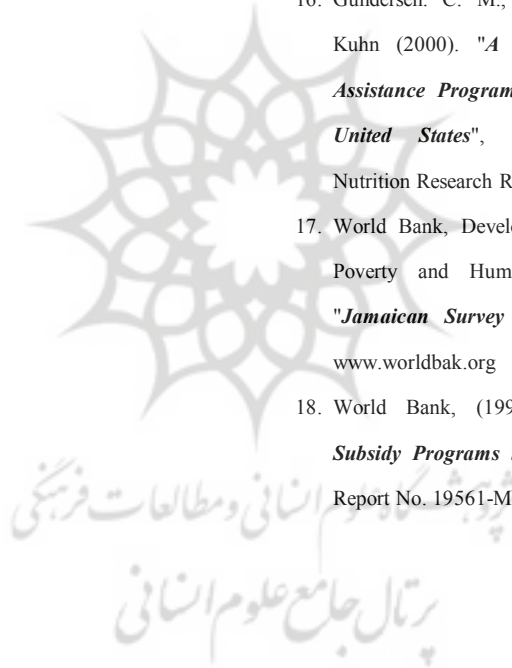
۱. بانک مرکزی ایران، گزارش‌های سالیانه، سال‌های مختلف.
۲. بانویی، علیرضا و همکاران (۱۳۸۱)، بررسی آثار یکسان سازی نرخ ارز بر اقتصاد ایران با استفاده از ماتریس حسابداری اجتماعی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۳. پرمة، زورار و همکاران (۱۳۸۲)، بررسی سیاست‌های اقتصادی بر رفاه خانوارها (مطالعه کاهش یارانه حامل‌های انرژی و کالاهای اساسی)، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
۴. _____ (۱۳۸۸)، برآورد اثرات تورمی و هزینه‌ای هدفمندسازی یارانه‌ها مورد مطالعه: یارانه حامل‌های انرژی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
۵. _____ (۱۳۸۲)، تعیین خانوارهای نیازمند از بی‌نیاز با استفاده از آزمون تقریب میانگین (در راستای هدفمند کردن یارانه‌ها)، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

۶. حیدری، خلیل (۱۳۸۸)، بررسی آثار آزادسازی و اصلاح قیمت نان روی سبد هزینه خانوار، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی
۷. خسروی نژاد، علی اکبر و امین مالکی (تابستان ۱۳۸۷)، «هدفمندی، شناسایی و طبقه‌بندی خانوارها» پژوهشنامه بازرگانی - شماره ۴۷، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
۸. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی (۱۳۷۹)، بررسی آثار و سهم یارانه کالاهای اساسی در سبد هزینه خانوار و تبعات ناشی از حذف یا کاهش آن.
۹. مرکز آمار ایران، (سال‌های مختلف)، طرح هزینه درآمد خانوار.

منابع لاتین

10. Belik, W., D. G. goossi, M. (2001). "Brazil's Zero Hunger Program in the Context of Social Policy", www.eco.unicamp.br
11. Chu, Ke-young, Hamid Davoodi, and Sanjeev Gupta, (2000), "Income Distribution and Tax and Government Social Spending Policies in Developing Countries," IMF Working Paper 00/62, Washington: International Monetary Fund.
12. Defourney, J. and E. Thorbecke. 1984. "Structural path analysis and multiplier decomposition within a social accounting matrix framework", *The Economic Journal*.
13. Farrar, C., (2006). A review of food subsidy research at IFPRI. *Impact Assessment Discussion Paper*, No. 12.

14. Freund, Caroline, and Christine Wallich, (1997), "Public-Sector Price Reforms in Transition Economies: Who Gains? Who Loses? The Case of Household Energy Prices in Poland", *Economic Development and Cultural Change*, Vol. 46 (October).
15. Grosh, Margaret. (1994). *Administering Targeted Social Programs in Lating America: From Platitudes to Practice*, Washington D. C., World Bank.
16. Gundersen. C. M., Yanez, C. Valdez, B. Kuhn (2000). "A Comparison of Food Assistance Programs in Mexico and The United States", Food Assistance and Nutrition Research Report, No. 60.
17. World Bank, Development Research Group Poverty and Human Recourses, (2002). "Jamaican Survey of Living Condition", www.worldbak.org
18. World Bank, (1999), "Consumer Food Subsidy Programs in the MENA Region", Report No. 19561-MNA





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی